

پاسخ وزارت صنایع و توضیح گروه پژوهشی

مروری بر بحث «ریشه‌های ناکامی در صنایع سیمان کشور»

اشاره:

بدنبال درج یک گزارش پژوهشی پیرامون صنعت سیمان در شماره دوم نشریه «مجلس و پژوهش»، وزارت صنایع که متولی ایجاد و گسترش صنعت سیمان در کشور می‌باشد از قول مشاور وزیر و رئیس ستاد طرح‌های سیمان، اقدام به ارائه پاسخ نموده است. در نوشته حاضر ابتدا نامه وزارت صنایع را ملاحظه می‌فرمایید و در ادامه، شرحی را که مسئول گروه پژوهشی (آقای دکتر بهمن اشراقی) در پاسخ وزارت صنایع ارسال داشته‌اند به دنبال آمده است. ضمن سپاسگزاری از توجه و احساس مسؤولیت مقام‌های ذیربط وزارت صنایع و تشکر از گروه پژوهشی، توجه خوانندگان گرامی را به این دو نوشته جلب می‌نمایم. «مجلس و پژوهش» به جهت اطمینانی که به حسن نیت و تعهد مسئولین دارد، آمادگی خود را برای درج توضیحات تکمیلی مسئولین محترم وزارت صنایع اعلام می‌دارد.

سر دبیر محترم نشریه مجلس و پژوهش با احترام؛ در پاسخ به مقاله بررسی صنعت سیمان در ایران که در شماره ۲ آن نشریه محترم به چاپ رسیده است، مطلب زیر که توسط برادر عابدی مشاور وزیر و رئیس ستاد طرح‌های سیمان کشور نوشته شده ایفاد می‌گردد. خواهشمند است دستور فرمائید برای روشن شدن خوانندگان به چاپ برسد:

در این مقاله ضمن اینکه اطلاعات مفیدی در مورد صنعت سیمان ارائه شده ولی به دلیل اطلاعات و آمار ناقص و پیش‌بینی‌های دور از واقع و نیز ارزیابی و نتیجه‌گیری‌های اشتباه‌زده و یک طرفه توضیحات زیر را ضروری می‌داند:

۱- در حال حاضر بیش از بیست طرح سیمان اعتبارات اسنادی بصورت کامل گشایش شده و یا در حال نهائی شدن می‌باشد و رقمی در حدود ۱ میلیارد دلار اعم از ارز نقدی، رقابتی و فاینانس را شامل می‌شود که این تقریباً برابر است با کل سرمایه‌گذاری که در طول ۶۰ سال صنعت سیمان صورت پذیرفته است. طرح‌های مذکور در مراحل مختلف پیشرفت فیزیکی از ۲۰٪ تا ۹۰٪ می‌باشند که ازمسال به تدریج به بهره‌برداری خواهد رسید.

بعنوان مثال: آباد ۹۲٪ خراسان ۸۳٪ اکیاتان ۶۵٪ خاش ۶۴٪ اردبیل ۶۰٪ ایلام ۵۱/۵٪ سفید ساوه ۴۷٪ شرق توسعه ۴۶٪ کردستان ۴۳٪ استهبان ۴۲٪ تاکون

پیشرفت فیزیکی دارند.
۲- یکی از نکاتی که در مقاله مذکور مورد تاکید قرار گرفته دخالت زیاد دولت در سیمان و دولتی بودن اکثر طرحها است. که در این مورد باید گفت نه تنها هیچگونه محدودیتی برای بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در صنعت سیمان وجود نداشته بلکه سیاست دولت و وزارت صنایع واگذاری طرح‌های سیمان به بخش خصوصی است، بطوریکه در حال حاضر از ۲۰ طرح فعال سیمان شش طرح به طور کامل متعلق به بخش خصوصی است و ۶ طرح نیز بیش از ۵۰ درصد بخش خصوصی مشارکت دارد و فقط شش طرح متعلق به احداث صنعت و وابسته به دولت است.

۳- برآورد ارائه شده در مقاله مذکور غیر واقعی به نظر می‌رسد و معلوم نیست از کدام منابع و براساس چه اطلاعاتی می‌باشد. به طور مثال: نیاز به ۴۳ میلیون تن سیمان و یا ۲/۱ میلیارد دلار ارز و ۳۰۰۰ میلیارد ریال سرمایه بسیار بلندپروازانه و دور از واقع است. همچنین پیشنهادی که برای راه‌حل این مسئله داده شده که برای تأمین ارز مورد نیاز از محل تهاتر نفت روزانه ۵۱ هزار بشکه تخصیص یابد اساساً غیر عملی به نظر می‌رسد ضمن اینکه اصولاً چنین نیازی مورد تشکیک است.

۴- در شرایط فعلی کمبود سیمان وجود ندارد که شاهد آن رکود در تحویل برخی کارخانجات سیمان است و حتی برخی از کارخانجات ناچار شده قیمت‌های خود را چندین بار کاهش دهد. همچنین قیمت

و خنک‌کن‌ها، انتقال و ذخیره کلینکر شامل نوارهای نقاله و سیلوها و آسیاب سیمان شده است.

- چنانچه به ادعای نویسندگان، قدرت و ابتکار بخش خصوصی در طرح‌های نظیر احداث بعد از انقلاب به تحلیل رفته است پارامترهایی نظیر انگیزه و توان سرمایه‌گذاری و غیره را باید در نظر گرفت و نه دخالت بیش از حد دولت در این صنعت‌ها. در خاتمه ضمن تشکر از اینکه آن نشریه محترم بخشی از صفحات خود را به صنعت مهم و استراتژیک سیمان اختصاص داده است جای این گلایه وجود دارد که چرا آن نشریه محترم برای پرداختن به یک مقاله تحقیقی و اطمینان از صحیح بودن اطلاعات حداقل با وزارت صنایع، دست‌اندرکاران اصلی سیاست‌گذاری و اجرای این صنعت مهم تماس برقرار نکرده تا اطلاعات لازم را کسب نماید.

مدیر کل روابط عمومی وزارت صنایع
قاسم افشار

سردبیر محترم نشریه مجلس و پژوهش پاسلام و تحیات؛ با توجه به پاسخی که از سوی مسئولین محترم وزارت صنایع در خصوص گزارش «ریشه‌های ناکامی در اجرای پروژه‌های سیمان کشور» واصل شده است، لازم می‌داند مراتب ذیل

ماشین‌آلات وارداتی یک کارخانه سیمان ۳۰۰۰ هزار تنی نسبت به چندسال آن قدر افزایش نیافته و چنین نرخ تورمی وجود ندارد.

و اما مختصری درباره فعالیت‌های شرکت احداث صنعت:

این شرکت در اواخر سال ۱۳۶۵ بعنوان سرمایه‌گذار و مدیر، مسئولیت برنامه‌ریزی کلان و نظارت بر اجرای طرح‌های شش کارخانه سیمان خاش، اردبیل، هرمزگان، کردستان، هگمتان، خوزستان را با هدف محرومیت‌زدایی این مناطق به عهده گرفت.

- با وجود کمبودهای ارزی و همچنین با عدم وجود تاسیسات زیربنایی در منطقه، از زمان شروع فعالیت این شرکت پیشرفت کاملاً محسوسی در طرحها مشاهده می‌گردد. تعیین تکلیف تجهیزات خط تولید قریب به اتفاق پروژه‌ها، امضا قرارداد با فروشندگان خارجی و گشایش اعتبارات مربوطه به میزان ۱۰۰٪ از جمله فعالیت‌هایی بوده است که عمده‌ترین موانع اجرای طرحها و تسریع انجام پروژه‌ها را در حال و آینده مرتفع نموده است.

- با وجود اینکه دانش فنی این صنعت قبل از انقلاب به طور یکجا به خارجیان واگذار شده بود این شرکت بعد از دوران انقلاب موفق به ساخت تجهیزات داخلی جهت آماده‌سازی مواد از جمله سنگ شکن، احداث سالن اختلاط مواد، احداث آسیاب مواد خام و کوره‌های سیکلون‌های پری‌هیتر

را جهت آگاهی بیشتر خوانندگان
گرامی تقدیم دارد:

۱- پیشرفت فیزیکی طرح‌های در دست اجرا

وزارت محترم صنایع ضمن آنکه از قدیمی بودن اطلاعات استفاده شده توسط گروه پژوهشی انتقاد کرده است، اقدام به ارائه جدول جدیدی، که گویا آخرین اطلاعات مرتبط بر پیشرفت فیزیکی کارخانه‌های سیمان در دست احداث در آن منعکس شده، نموده است. البته هرچند هدف و انگیزه گروه ما، ارائه یک خط و شمای کلی از چگونگی اجرای طرح‌های جدید سیمان در کشور بوده است (اطلاعاتی را که ما مورد استفاده قرار دادیم مربوط به مهرماه سال ۱۳۷۱ بوده است) و نه پرداختن به جزئیات، ولی با این وجود، حتی از آخرین اطلاعات ارائه شده در پاسخ مربوطه چنین استنباط می‌شود که تغییر محسوسی در روند اجرای طرح‌های سیمان کشور ملاحظه نمی‌شود، بطوریکه کارخانه سیمان آباده در طی مدت ۹ ماه (حدفاصل آخرین گزارش رسمی ارائه شده توسط وزارت صنایع و آمار مندرج در گزارش ارسالی)، تنها ۴ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

به هر حال، بهتر بود وزارت صنایع بجای ارائه اطلاعات و آمارهای انتزاعی، نسبت به تحلیل‌های مربوطه عطف توجه می‌نمود تا خوانندگان محترم بتوانند از ارقام ارائه شده به شیوه بهتری سود جویند.

۲- دخالت گسترده بخش دولتی

متأسفانه در این بخش نیز گزارش ارسالی وزارت صنایع دارای جنبه‌های غفلت‌انگیزی است و با طرح مسائلی مانند عدم توانایی بخش خصوصی و ناهمواری بودن بستر سرمایه‌گذاری در صنعت سیمان، از پرداختن به اصل مطلب پرهیز می‌کند و کارخانه‌های جدید سیمان، که توسط بخش عمومی و یا سیستم بانکی در دست احداث هستند، را به حساب بخش خصوصی می‌گذارد. در اینجا اشاره می‌شود که از طرح‌های در دست اجرای سیمان مورد اشاره هیچکدام متعلق به بخش خصوصی نیست و همانگونه که قبلاً نیز اشاره شده است توسط بنیاد مستضعفان و جانبازان، سازمان صنایع ملی ایران، بانکها و یا شرکت‌های دولتی اجراء می‌شوند.

وزارت صنایع در ارائه توضیحات ناکافی - حتی به صورت حاشیه‌ای - به این نکته مهم نپرداخته‌اند که دلیل عدم عنایت کافی به پروژه‌های سیمان خلخال و اراک، که توسط بخش خصوصی در دست اجرا بوده‌اند، چیست؟ و کدام انگیزه سبب دوری علاقمندان و پیشگامان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، در امر صنعت سیمان کشور شده است؟

متأسفانه حتی وزارت صنایع هیچگونه آینده‌ای را در زمینه افزایش حضور بخش خصوصی و مردم در صنعت سیمان نوید نمی‌دهد و صرفاً به این نکته بسنده کرده است که در آینده پس از به بهره‌برداری

اقتصادی

داخلی و چه بین‌المللی است، مانعی بر سر راه اقتصادی بودن طرح‌های در دست اجرای سیمان و در نتیجه، بروز اشکالات اساسی در یافتن خریداران بالقوه درآینده نخواهد بود؟

۳- مبانی محاسبات

در تهیه گزارش مورد نظر، سعی بر این بوده است که به صورت فشرده ارائه گردد. در این جا لازم می‌داند برخی نکات مستتر در گزارش اصلی را بیشتر تشریح نماید:

الف - میزان تولید: بدنبال ارائه آمار و اطلاعاتی پیرامون تولید سیمان در سایر کشورهای حوزه خلیج فارس، این انتظار وجود داشت که حداقل برای مسئولان وزارت صنایع، مقوله ضرورت افزایش تولید سیمان تا سقف ۴۵ میلیون تن در طول پنج سال آینده، روشن شده باشد. با توجه به واقعیت‌های زیر:

- نفوس ایران با توجه به رشد فعلی در سال ۱۳۷۷ از مرز ۶۵ میلیون نفر فراتر خواهد رفت.

- تولید سرانه سیمان در سایر کشورهای حوزه خلیج فارس تقریباً ۱۰۰۰ کیلوگرم می‌باشد.

- در صورت افزایش تولید سیمان در جمهوری اسلامی ایران و رسیدن به مرز ۴۵ میلیون تن در سال، میزان تولید سرانه کشور برابر با ۶۹۲ کیلوگرم خواهد بود، که با توجه به

رساندن طرح‌های در دست اجرا، اقدام به واگذاری آنها به بخش خصوصی خواهد شد.

آیا در شرایطی که سازمان‌های عمده عرضه‌کننده سهام مانند بانک صنعت و معدن، در زمینه خصوصی‌سازی و فروش سهام واحدهای زیر پوشش خود به بخش خصوصی با مشکلات متعددی روبه‌رو بوده‌اند، اتخاذ این سیاست به قدرکافی صحیح هست؟ آیا با توجه به این نکته مهم که از مجموع تعداد ۳۹۱ شرکت دولتی - که قرار بود بر اساس مصوبه شماره ۵۲۸ / ت / ۱۰۹ مورخ ۱۳۷۰/۲/۱۹ هیئت وزیران به بخش خصوصی واگذار شوند - تا پایان دیماه سال گذشته تنها ۱۹ شرکت از طریق مکانیزم بورس اوراق بهادار، که عمده‌ترین ابزار خصوصی‌سازی بوده است، به بخش غیردولتی انتقال یافته (این بدان معناست که در پاره‌ای موارد انتقال به بخش خصوصی همسورت نگرفته است و ارگان دولتی و یا شبه دولتی دیگری خریدار بوده است)، می‌توان اطمینانی به این سیاست داشت؟ شرکت احداث صنعت، یعنی متولی اصلی ایجاد کارخانه‌های جدید سیمان، آیا خود به عنوان یک عامل بازدارنده در زمان واگذاری کارخانه‌های ساخته شده به بخش خصوصی نخواهد بود؟ آیا مدت زمان طولانی احداث کارخانجات تحت پوشش این شرکت، که خارج از استانداردهای موجود چه در سطح

نیازهای روزافزون کشور نسبت به سایر کشورهای در حال رشد و بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس که در فرآیند توسعه دارای موقعیت محدودتری نسبت به ایران هستند، این رقم اندک تلقی می‌گردد.

- موافقت‌های اصولی صادره توسط وزارت صنایع برای ایجاد کارخانه‌های جدید سیمان حتی بدون در نظر گرفتن تعدادی از ۱۰ کارخانه جدید سیمان خریداری شده از کشور چین، تولیدی معادل ۳۸ میلیون تن در سال را نشان می‌دهد.

- اظهارات وزیر محترم صنایع در زمان بازدید از نمایشگاه بین‌المللی مصالح ساختمانی مبنی بر دو برابر شدن تولید سیمان و رسیدن به ۳۲ میلیون تن ظرف ۳ سال آینده. نشان می‌دهد که رقم برآورد شده غیرمعقول نیست لکن مسئولان وزارت صنایع متأسفانه علیرغم مراتب مستند بالا، رقم پیش‌بینی شده مبنی بر ضرورت افزایش تولید سیمان تا سقف ۴۵ میلیون تن را خوش‌بینانه و دور از مبنای علمی می‌دانند!

واقعاً جای این پرسش باقی است که بالاخره متولیان صنعت سیمان برای آینده این صنعت چه در چنته دارند؟ اگر فرض بر این است که با ۲۵ میلیون تن تولید سیمان در سال می‌توان علاوه بر رفع نیازهای داخلی اقدام به صادرات نیز نمود، پس

فلسفه خرید ۱۰ کارخانه جدید سیمان از کشور چین و تامین ارز کارخانه سیمان شهرکرد به چه منظوری است؟ اگر بر فرض با تولید بیشتر می‌توان اقدام به صادرات نمود بهتر است آقایان مشخص فرمایند به کدام بازار برای صادرات چشم دوخته‌اند؟ عجیب اینجاست که این مطلب زمانی گفته می‌شود که در گزارش ما بخوبی روشن شده بود که سیمان کالایی است بومی و صادرات جهانی تنها ۷ درصد از کل تولید آن را تشکیل می‌دهد!!

ب - برآورد هزینه‌های ارزی

همانگونه که در طول گزارش آمده و مقام‌های ذیصلاح صنعت سیمان نیز به آن اذعان دارند، مشکل منابع ارزی از جمله دلایل اصلی عدم موفقیت در اجرای به موقع طرح‌های سیمان بوده است، بدین لحاظ سعی براین بوده که به طریقی برای این مشکل راه حلی تجربه شده و در عین حال عملی، یافت شود. نخستین گامی که در این راه برداشته شد تعیین و تخمین منابع ارزی مورد نیاز صنعت سیمان در طول چند سال آینده بود که مبنای محاسباتی آن به صورت زیر می‌باشد:

- ظرفیت اضافی مورد نیاز ۲۰ میلیون تن

- منابع ارزی مورد نیاز براساس هر کارخانه ۳۰۰۰ تنی در روز (پا)

۱- در این محاسبات درصد ساخت داخلی تجهیزات اندکی بالاتر از میزان فعلی در نظر گرفته شده است که خود مستقیماً متأثر از تأثیرات مثبت بکسان سازی نرخ ارز می‌باشد.

معادل ۱ میلیون تن در سال)

۶۰۰ میلیون دلار

- جمع منابع ارزی مورد نیاز

۱/۲ میلیارد دلار

- مصرف سالانه ارز ۳۰۰ میلیون دلار یا

معادل ۵۱ هزار بشکه نفت

صادراتی، به ازای هر بشکه ۱۶ دلار

متأسفانه وزارت صنایع به جای

استقبال از پیشنهاد ارائه شده در زمینه حل

مشکلات ارزی این صنعت که راه حل

عملی و تجربه شده در فولاد مبارکه است،

بدون ارائه راه حل، اهداف مرتبط بر افزایش

تولید سیمان با نیازی معادل ۳۰۰ میلیون

دلار در سال را بلند پروازانه دانسته‌اند.

جهت مزید اطلاع مقام‌های ذیربط

وزارت صنایع یادآوری می‌شود که چنین

شیوه‌ای نه تنها در جمهوری اسلامی ایران

روشنی است عاقلانه و تجربه شده بلکه در سایر

کشورهای تولیدکننده نفت و از جمله

کویت، سالهاست که مورد استفاده قرار

می‌گیرد. فی‌المثل در دهه ۶۰، دولت کویت

با اختصاص ۱۰ درصد از درآمد خالص

حاصل از صادرات نفت، بخشی به نام اداره

سرمایه‌گذاری‌های کویت یا Kuwait

Investment Office را تأسیس کرد تا با

منابع مالی اختصاص داده شده، اقدام به

سرمایه‌گذاری برای نسل‌های آینده

که احتمالاً از نعمت نفت محروم خواهند

بود، بنماید.

ج - برآورد منابع ریالی

بر اساس آخرین برآوردها، هزینه

احداث یک کارخانه سیمان به ظرفیت یک

میلیون تن در سال با احتساب ارز به نرخ

شناور، بالغ بر ۱۲۰ میلیارد ریال می‌گردد.

بنابراین با توجه به این واقعیت که

می‌بایستی ۲۰ میلیون تن ظرفیت اضافی

در کشور ایجاد نمود - با منظور نمودن یک

ضریب تورمی معقول - منابع ریالی

مورد نیاز برای احداث ظرفیت‌های جدید به

۳۰۰۰ میلیارد ریال بالغ می‌شود.

عدم توانایی سیستم بانکی در تامین

چنین مبلغی نه تنها در ابعاد تئوریک قابل

لمس است بلکه از دیدگاه اجرایی نیز کاملاً

ملحوظ است. شاهد هستیم که با وجود

اختصاص ۷۰۰ میلیارد ریال از طریق تبصره

۵۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۲ به کارخانه‌ها و

واحدهای تولیدی، مسأله کمبود نقدینگی،

کماکان گریبان‌گیر بخش عمده صنایع کشور

می‌باشد.

نظر ما بر این است که لاجرم

باید برای حل پاره‌ای مشکلات

موضعی از ابزارهای نوین مالی سود

برد و کم‌توجهی در این امر می‌تواند

عواقب سنگینی را متوجه این

صنعت استراتژیک بنماید.

مسئول گروه تحقیق: دکتر بهمن اشراقی